است کقوله تعالی لعنة الله علی الکاذبین و دیگر آنکه آئمه اثنا عشریه
را آئمه دین و مجتهدان اهل یقین تصور کرده باشند پس برین تقریر بر ایشان
دو سوال فرود می آید یکی آنکه میان آئمه اربعه و میان آئمه اثنا عشریه اختلاف
و مخالفت در احکام اسلام رفته و یا موافقت بوده اگر اختلاف جائز داوند
کافر گردند زیراکه مذهب آئمه اربعه بعینه مذهب خلفاء راشدین پس اگر اختلاف
جائز بودی هر آئینه علی مرتضی کرم الله وجهه با خلفاء ثلثه اختلاف ورزیدی و
متابعت ایشان در امور دین و دنیا نه نمودی با آنکه افضل ترین آئمه اثنا عشریه
امیر المومنین مرتضی علی بوده اند چه متابعت نمودن امام باطل کفر است
پس چون مرتضی خلاف ننموده اتفاق ثابت آمد و انکار از اتفاق ایشان
کفر است و هیچ دلیل قطعی در اختلاف ایشان نخواهند آورد دوم آنکه موافقت
میان آئمه اربعه و اثنا عشریه اعتقاد کرده باشند پس این هنگام اثبات
مذهب مر آئمه اثنا عشریه بیفایده آمد چه مشهور و متعارف است که
بعضی ازین جماعت اثنا عشریه مقدم از آئمه اربعه بودند بعضی موخر آنها
که مقدم بودند آئمه اربعه دین و علوم دین از آنها دریافته اند و تبعیت آنها
نموده اند و آنهاکه موخر بوده اند آنها اخذ دین و علم دین از آئمه اربعه نموده اند و
تبعیت آنها کردند پس اطلاق اسم آئمه اثنا عشریه بر ایشان از جمله
محدثات روافض آمده کما ذکر فی التمهید ومنهم من قال بان الامة
لم یعرفوا الامام وهم اثنا عشر الی قوله وهذا منهم کفر و همچنین
لفظ پنج تن پاک چون از خلفاء راشدین و آئمه دین منقول نیامده از نو
پیدا کرده ایشان است و علامات رفض است کما مر من قبل چه اگر سید
المرسلین و خلفاء راشدین را ازین لفظ مراد داشته باشند روا باشد
اما بدعت آمیز چه لفظ بدیع را در امور دین استعمال کردن بدعت می باشد
بل محمد آخر زمان و خلفاء راشدین عبارت نماید که این الفاظ منقول اند
و لفظ پنج تن پاک منقول نی و اگر حبیب مجتبی و علی مرتضی و حسن و حسین
و فاطمه زهرا مراد داشته باشد علامات رفض باشد چه مردم روافض

لفظ پنج تن پاک محدث علامت روافض است